

**مراسم تشییع پیکر میرشمس الدین ادیب سلطانی بر گزار شد**

# وداع با مردی که از نوادر روزگار بود



مراسم تشییع پیکر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی از مقابل دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به سمت قطعه نام‌آوران برگزار شد. به گزارش ایسنا، در مراسم تشییع پیکر این پژوهشک، فیلسوف، زبان‌شناس، نقاش، ریاضی‌دان، نویسنده و مترجم متون مهم ادبی و فلسفی که صبح دوشنبه، ۲۴ مهرماه از مقابل دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد، ابتدا پیام رضا داوری اردکانی، استاد بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه تهران و رئیس پیشین فرهنگستان علوم، توسط علی‌اصغر مصباح استاد فلسفه دانشگاه تهران، خوانده شد.

در ادامه غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علیرضا بهشتی، استاد فلسفه دانشگاه تهران، و ممتاز ادیب سلطانی، خواهر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، سخنرانی کردند.

علی‌اصغر مصاح، استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با بیسان این‌که رضا داوری اردکانی، استاد برجسته فلسفه به دلیل کسالت نتوانست در مراسم حاضر باشد، پیام او را به این شرح خواند: «مرد دانایی که ۹۲ سال پیش به دیار پر آفتاب و پرغوغای زندگی آمده بود و همه عمر را به دانشجویی، دانش‌آموزی، تألیف و ترجمه پرداخت، بی‌اعتنا به غوغا در تنهایی و غربت زندگی کرد و چند روز پیش

در همان تنهایی و غربتی که زیسته بود، این جهان را بدرود گفت. استاد میرشمس‌الدین ادیب سلطانی را می‌گویم. او که در دانش و فضیلت از نوادر روزگار بود. او نه دعوی و داعیه داشت و نه هرگز در نزد کسی اظهار نیاز کرد. پاک و پاکیزه زیست و جز دانش‌اندوزی سودایی نداشت. او مثال بی‌نیازی در جهانی بود که سراسر نیاز و نیازمندی است.

دکتر ادیب سلطانی، روان‌پزشک، ادیب، زبان‌دان و زبان‌شناس و مترجم، هنرمند و فیلسوف بود و مثل همه دانایان روزگار با دقت و وسواس سخن می‌گفت و می‌نوشت، و شاید

این دقت و وسواس تنهایی او را بیشتر می‌کرد. دکتر ادیب سلطانی که از ابتدا غربت و تنهایی را پذیرفته بود، بروایی از تنها زیستن و تنها بودن نداشت. آثاری که پدید آرد گزیده بود و اگر بیشتر به ترجمه پرداخت یک وجهش آن بود که می‌دید آثاری که ترجمه آن‌ها ضرورت دارد به فارسی برگردانده نشده است. در این مراسم مجال بحث درباره دانش و علم این مرد بزرگ نیست. فقط همین را می‌گوییم که او از حیث وسعت دانش و معلومات، کم‌نظیر و شاید در میان ما بی‌نظیر بود.

او علامه حقیقی بود اما مهم‌تر از همه این‌ها این‌که دانش و فضیلت را یک‌جا جمع کرده و این‌هر دو را یک‌جا داشت. دانش به جای این‌که به او غرور بدهد، مایه تواضع و پارسایی‌اش شده بود. شاید پارسایی و

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیز در سخنانی کوتاه با بیان این‌که ادیب سلطانی از مفاخر سرزمین ایران بود، اظهار کرد: ادیب سلطانی در گمنامی و پره‌دشینی عمر زاهدانه خود را طی کرد.

او افزود: استاد برای جامعه علمی کشور الگو و اسوه واقعی بود و این الگو بودن همچنان ادامه خواهد داشت. با مرگ مادی علما و اندیشمندان، آثار وجودی و برکاتشان از بین نمی‌رود بلکه آن‌ها هستند و اندیشه‌شان ادامه پیدا می‌کند. همان‌طور که علی‌رغم گذشت صدها سال از فقدان مادی اندیشمندان و حکمای ما، آن‌ها هنوز در عرصه علمی حاضر هستند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درگذشت ادیب سلطانی را به خانواده، استادان و دانشجویان فلسفه تسلیت گفت و ادامه داد: آقای رئیس‌جمهور نیز از ایسن ضایعه متأثر بود و مراتب تسلیت و همدردی او را ابلاغ می‌کنم. ان‌شاءالله دوستان ما در انجمن مفاخر، مراسمی را در شأن نام و آثار و خدمات علمی این بزرگ‌مرد برگزار می‌کنند تا فضایی برای ارائه دیدگاه‌های اندیشمندان و بزرگان درباره خدمات علمی موثر استاد ادیب سلطانی باشد.

**مسافر میان فرهنگ‌ها**

همچنین علیرضا بهشتی، استاد فلسفه دانشگاه تهران با تسلیت درگذشت ادیب سلطانی در سخنانی گفت: با مردی وداع می‌کنیم که عمری را به اندوختن دانش و ادب و پروردن هنر سپیری کرد و همچون شمع پرفروغی بی‌دریغ همگان را از ثمرات وجودی خود بهره‌مند کرد. پیکر خاکی او را امروز در خاک به امانت می‌سپاریم اما روح پرفوتوح او تن نورجوش را ترک گفته و پای در دستاوردهای گران‌سنگش را برای نسل ما و نسل‌های آینده به میراث گذاشت.

او ادامه داد: گستره وجودی استاد ادیب سلطانی، از فرهنگی که در آن زاده شده بود و به آن عشق می‌ورزید، از زبانی که در آن سر برآورده و بالیده بود، بسیار فراتر رفت. او بر مرگ چندین زبان که با آن آشنا می‌و انس داشت، سرزمین‌های فرهنگ بسیاری را درنوردید. ادیب سلطانی مسافر میان فرهنگ‌ها بود و از هر یک از این سرزمین‌ها، تحفه‌های گران‌بهای را برای گوش‌های شنوا و چشم‌های بینا به ارمان آورد.

بهشتی خاطر‌نشان کرد: ادیب سلطانی مردی آزاد بود و وها از بند خویشتن‌پرستی و کرنش در برابر ناهلان که شیفته نام و نان نشد و با قناعت‌ورزی و گریز از شهرت‌طلبی،

گشاده‌دستانه گوهرهای دانش و ادب و هنرش را بی‌هیچ چشم‌داشتی با سلوکی دانشین بذل

او یادآور شد: ادیب سلطانی هیچ‌گاه نه در

همراهی دانشگاه و نه هیچ نهاد و سازمان و موسسه علمی و پژوهشی در ازای این بخشش بی‌دریغ نه طلب اجر مادی کرد نه

چشم‌انظار تشویق و تحسین و نشان‌های رنگارنگ بود. اما آثار گران‌سنگ او در میان اهل دانش و خوانندگان مایه بهرهوری‌های بسپار بود. بازگویی لایه‌های وجودی ادیب سلطانی فرصت دیگری طلب می‌کند، برنامه به درازا کشیده است و در فرصت دیگری بیان می‌کنیم.

**اقیانوس عمیقی در زمینه‌های متنوع**

ممتاز ادیب سلطانی، خواهر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی نیز با تشکر از‌حاضرائی که در مراسم شکوه جاودانگی و آرامش ابدی برادرش شرکت کرده‌اند با خواندن بیت‌هایی از شعرهای مادرش منکصل به «صبر» اظهار کرد: مگر می‌توان داستان زندگی بزرگ‌مردی را به کلام آورد کسه در هر بعد لحظه‌هایش، بی‌نهایتی نهفته بود؟ مگر می‌توان بعدها را شکافت، قصه کدام لحظه‌ها را باید گفت؟ قصه زندگی فریخته‌ای که نیوغ بسیار داشت، پرکار و کوشا بود و راهای مختلفی را برای آموختن و تجربه‌کردن پیمود. لحظه‌لحظه‌های زندگی‌اش را با تمام گوشه‌هایش به کسب علم و عرفان همراه با شویایی بیان و دانش‌اندوزی و با ویژگی‌های اخلاقی‌اش که پیوسته بالنده‌تر می‌شد، پیمود.

او ادامه داد: ادیب سلطانی اقیانوس عمیقی در زمینه‌های متنوع بود. در تمام سال‌های تحصیلی‌اش چه در دبستان و چه در دبیرستان و دانشگاه با رتبه‌های بالا مورد تقدیر قرار می‌گرفت و هرگز از کسب دانش سیراب نمی‌شد. رشته پزشکی را انتخاب کرد و پایان‌نامه دکتری‌اش را از شادروان دکتر گیتی که استاد بلندپایه و سخت‌گیری بود، دریافت کرد. سپس به ارتیش رفت و در رسته روان‌شناسی در بیمارستان آن‌جا با پروفسور هویمان دانشمند عالی‌قدر کار کرد، و به دریافت تقدیرنامه عالی نائل آمد.

میرشمس‌الدین ادیب سلطانی ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۱۰ در محله قلمستان تهران به دنیا آمد و ۲۰ مهرماه ۱۴۰۲ در سن ۹۲ سالگی در دنیا رفت.

او که به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، یونانی باستان، عربی، ایتالیایی، روسی، عبری، ارمنی، لاتین، پهلوی، اوستایی و زبان‌های پارسی میانه و باستان مسلط بود، آثار ترجمه‌شده را مستقیماً از زبان مبدا به زبان فارسی برگردانده است. میرشمس‌الدین ادیب سلطانی تلفات متعددی به زبان فارسی و انگلیسی داشت و آثار او مشهور به استفاده گسترده از واژگان فارسی و بهره جستن از پارسی باستان، پارسی اوستایی و پارسی میانه بود.

از مهم‌ترین آثار ترجمه‌شده توسط میرشمس‌الدین ادیب سلطانی می‌توان به «سنجش خرد ناب» امانوئل کانت، «منطق» ارسطو، «جستارهای فلسفی» برتراند راسل، «سوگ‌نمایش هملت شاهپور دانمارک» اثر ویلیام شکسپیر و همچنین «رساله منطقی-فلسفی» ویتگنشتاین اشاره کرد.

### اخبار کوتاه

**عذرخواهی معاون وزیر ارشاد از علیرضا قربانی**

**بابت اتفاقات اصفهان**

معاون هنری وزارت ارشاد بابت لغو کنسرت علیرضا قربانی عذرخواهی کرد و ابراز امیدواری کرد که کنسرت این خوانند بزودی در اصفهان اجرا شود. به گزارش ایسنا، یکشنبه شب گذشته کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان علی‌رغم اخذ مجوزهای لازم از وزارت ارشاد، لغو شد؛ موضوعی که اعتراض این هنرمند را در پی داشت.

براساس اعلام روابط عمومی معاونت هنری وزارت ارشاد، محمود سالاری در پی خبر لغو کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان، اعلام کرد: کنسرت آقای قربانی مجوزهای لازم را از اداره کل فرهنگ و ارشاد استان اصفهان داشته و از این نظر هیچ مشکلی برای اجرای ایشان وجود نداشته است.

وی بیان کرد: متأسفانه در روند برگزاری این کنسرت برخی ناهماهنگی‌ها با ارشاد استان منجر به لغو این کنسرت شده است. سالاری در ادامه گفت که با تماس تلفنی با قربانی ضمن عذرخواهی از ایشان پیگیر حل مشکل این هنرمند گرامی کشور شدم و قول پیگیری را حل کامل این مسأله را می‌دهم. همینطور طی تماس با مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان در این مورد هماهنگی جهت رفع موانع را خواستار شدم.

**«مخمصه» در شبکه پنج روی آنتن می‌رود**

سریال کره‌ای «مخمصه» از چهارشنبه ۲۶ مهر جایگزین «هرگ تدریجی یک رویا» در شبکه پنج می‌شود. به گزارش روابط عمومی شبکه پنج؛ «مخمصه» با نام انگلیسی Punch یک مجموعه تلویزیونی محصول ۲۰۱۴ کره جنوبی با بازی کیم ره وون، کیم اه جونگ، چو جه هیون، سو جی هه و اون جو وان است. شخصیت اصلی این سریال پارک هوان مرد جوانیست که در دفتر داستانی کار می کند و رئیس مبارزه با مفاسد است. او یک دختر هشت ساله دارد و از همسرش مدتی است که جدا شده و… سریال «مخمصه» به کارگردانی لی وو میونگ هر روز هفته ساعت ۱۹ از شبکه پنج روانه آنتن می‌شود و بازپخش آن همان شب ساعت ۲۳ خواهد بود.

**نمایشگاه «رویای من» در نگار گذر شهید اندرزگو**

نمایشگاه نقاشی «رویای من» از ۲۲ مهرماه سالجاری به مدت یک هفته در نگار گذر خانه فرهنگ شهید اندرزگو برپا شده است.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای اخلاق، نمایشگاه نقاشی «رویای من» به سرپرستی فاطمه راسته شامل ۹ اثر در ابعاد مختلف از هنرنمایی کودکان دوره اول ابتدایی که در کلاس‌های نقاشی این مرکز شرکت کرده بودند برگزار شده است. بر اساس این خبر، در این نمایشگاه که از روزشنبه ۲۲ مهرماه در نگار گذر خانه فرهنگ شهید اندرزگو برپا شده است، کودکان چهره‌های خود را تجسم و نقاشی کرده و در قالب بوستر در معرض دید عموم قرار داده‌اند. این خبر می‌افزاید: علاقمندان برای دیدن این نمایشگاه می‌توانند از ساعت ۹ تا ۱۹ به خانه فرهنگ شهید اندرزگو واقع در خیابان پیروزی، میدان بروجردی، خیابان شهید اندرزگو مراجعه و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۴۰۰۳۳۳ تماس بگیرند.

**نادر تو کمن درگذشت**

نادر تو کمن، هنرمندی که نقاشی‌هایش تداعی کننده سفری دور و دراز در کین الگوها بود، در پی یک دوره بیماری در تهران درگذشت. مراسم تحجیم این هنرمند فقید، روز چهارشنبه (۲۶ مهر ماه) از ساعت ۱۷ الی ۱۹ در مجتمع سامان به نشانی تهران، خیابان شیراز برگزار می‌شود.
زنده‌یاد تو کمن متولد ۱۳۴۰ در تهران، تحصیلات مقدماتی خود را در هنرستان هنرهای زیبای تهران (۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷) گذراند و تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه ایالتی تبرساک(۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴) به اتمام رساند. این هنرمند اولین نمایشگاه انفرادی خود را سال ۱۳۷۴ در گالری گلستان برگزار کرد و پس از آن، در سال ۱۳۷۶ دومین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری منصوره حسینی روی دیوار برد.

**واکش اهالی سینما به فاجعه قتل مهرجویی**

## کشور در بهت و حیرت است



**اعلام زمان تشییع داریوش مهرجویی و همسرش**

مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر چهارشنبه ۲۶ مهر ماه برگزار می‌شود. سخنگوی خانه سینما با تأیید این خبر اعلام کرد که این مراسم از ساعت ۱۰ صبح در پهنه رودکی تالار وحدت با سخنرانی هنرمندان برگزار می‌شود و در ادامه پیکر داریوش مهرجویی و همسرش به قطعه هنرمندان بهشت زهرا بدرقه می‌شود.

است، فیلم آبرومندی است؛ اما مشخص است فکر من است و ساخت مهرجویی. فیلم‌نامه‌های بسیاری از آثار من تهیه شده؛ اما در میان آن‌ها «همهان مامان» پختگی، زیبایی و هوشمندی داشت. مهرجویی واقعا هنرمند بود. او ادامه داد: من نه به خانه مهرجویی رفتم و نه رفت‌وآمدی با او داشتم. چند باری سرر پروزه‌های فیلم‌برداری او رفتم و سر فیلم‌برداری «همهان مامان» هم می‌رفتم. من با کیومرث پوراحمد هم‌نظر و دوست بودم و این حالت را با مهرجویی نداشتم.

هوشنگ مرادی کرمانی در بخش پایانی سخنان خود گفت: متأسفانه، حالم خوب نیست؛ رسانه‌های خارجی و داخلی و مردم تحلیل‌های مختلفی ارائه کردند. شاید مرگ او یکی از پرحادثه‌ترین موقیعت‌هایی است که کشور را به هم ریخت. کشور در بهت و حیرت است و همه درباره او حرف می‌زنند و می‌خواهند بدانند چه اتفاقی افتاده است.

همچنین مجید محمدی کارگردان سینما در پی قتل داریوش مهرجویی و همسرش نوشت: «خبر مرگ دلخراش فیلسوف سینمای ایران داریوش مهرجویی و همسر گرامیشان ضایعهی بزرگی بر سینمای ایران است. بنده به سهم خود این فقدان عظیم را به بازمانده‌گان محترم ایشان و سینمای ایران تسلیت عرض می‌کنم.

وای خدایند بزرگ برای خانواده ایشان طلب صبر و شکیبایی و برای مرحومین طلب رحمت و مغفرت دارم.» اصغر فرهادی کارگردان سینما هم در متنی نوشت: «دیروز یکی از تلخ‌ترین روزهای زندگی را به شب رساندم. تمام روزی بی تاب راه رفتم اما این بار فیلمنامه نویسان و همه سینماگران تسلیت گفته کلیم، سبک نباشند. گفتم فردا چیزی می‌نویسم، سنگهای بری نوشتن پیدا نمی‌کنم، این بار سنجیم، سبک نمی‌شود.» کانون نمایشنامه نویسان و

هوشنگ مرادی کرمانی با بیان این‌که پس از قتل داریوش مهرجویی، کشور در بهت و حیرت است، گفت: ما در دنیای متفاوتی که داشتیم، کار مشترکی داشتیم که از قضا گرفت.

هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده که داریوش مهرجویی فیلم «همهان مامان» را از روی مان او اقتباس کرده است، در پی قتل این کارگردان مطرح سینما و نویسنده و همسرش، وحیده محمدی‌فر در منزل شخصی‌شان، به ایسنا گفت: من هنوز در شوک هستم. ما با هم زیاد حرف نمی‌زدیم؛ ما دو دنیای متفاوت داشتیم، چندی پیش با من تماس گرفت و گفت سه کتاب ترجمه کرده و ناشران می‌گویند چون این سدل کتاب‌ها فروش نمی‌رود، قبول نمی‌کنند، درحالی‌که ترجمه‌هایش فروش رفته‌اند و گفت: «ایا ناشری می‌شناسی که این کتاب‌ها را منتشر کند؟» من هم ناشر را معرفی کردم و بعد هم پیگیری نکردم که چه شد.

او با اشاره به کار مشترک «همهان مامان» در عین تفاوت‌های خود و مهرجویی، گفت: مهرجویی یکبار از من خواست تا کار مشترکی داشته باشیم. به او گفتم ما دو تا آدم‌های بی‌هرای هستیم و نمی‌توانیم کاری داشته باشیم. حسی مخاطب‌محام نیز متفاوت است. نمی‌توانیم از یک قاب به یک موضوع نگاه کنیم، ممکن است مخاطبات علاقه‌ای نداشته باشند و مخاطب من هم آن را درک نکند. مهرجویی در پاسخ گفت، چرا فقط تفاوت‌ها را می‌بینی؟ از پیش تفاوت نکن. شاید مردم دوست داشته باشند. آن زمان هنوز کتاب «همهان مامان» چاپ نشده بود. نسخه پیش‌چاپ را به او دادم. فرادایش تماس گرفت که می‌خواهم این کار را انجام بدهم. بعد چند باری رفت‌وآمد داشتیم و این کار پرداخت شد. سه سال طول کشید تا این فیلم‌نامه تمام شود. بعد هم فیلم دینی شد و کاری کرد که مردم دوست داشتند. او افزود: فیلم «همهان مامان» در میان فیلم‌های مهرجویی، بیشترین بیننده را داشت و منظوم از بیشترین بیننده به لحاظ موقعیت هنری آن نیست، یعنی مثل «هامون» و دیگر فیلم‌های مهرجویی نیست. «همهان مامان» درباره بدنه جامعه و مردم عادی است. مردم عادی هستند که چنین لحظاتی را تجربه می‌کنند. بازیگران آن هم فوق‌العاده بازی کردند. من از این کار مشترک راضی هستم و خوشحالم که این کار مشترک را با او داشتم.

این نویسنده با تأکید بر این‌که مهرجویی آدم خاص و قدرتمندی بود، بیان کرد: فیلم «همهان مامان» در کارنامه کاری مهرجویی یک ساز می‌زند و کارهای دیگرش ساز دیگری. خود مهرجویی باور نمی‌کرد ایسن فیلم جایزه‌ها را درو کند. «همهان مامان» به جهت موضوع کاملا متفاوت بود. شخصیت‌هایش کاملا ایرانی بودند. مهر و محبتی را که ایرانی‌ها در زندگی نسبت به هم دارند، نشان می‌داد شاید به همین دلیل بیشتر «یده» شد. نه این‌که کار خیلی خوبی بوده باشد؛ بیشتر دیده شد، زیرا مردم می‌بود. این فیلم زندگی مردم عادی بود. البته خود مهرجویی، آدم‌های فیلم را قبول نداشت. تفاوت من و مهرجویی کاملا در این فیلم مشخص